

# جوانه های تولید را شکوفا کنیم

هفتمین جشنواره ملی مدیران و تولیدکنندگان جوان

محسن خلیلی  
آذرماه ۱۳۹۲

## جوانه های تولید را شکوفا کنیم

کشور عزیزمان ایران خاستگاه یکی از قدیمی ترین تمدن های بشری و سرزمینی با موقعیت جغرافیایی ممتاز و برخوردار از ذخایر طبیعی ارزشمند است. سابقه سکونت بشر در این سرزمین به حدود دوازده هزار سال پیش می رسد و عمر تمدن در آن بیش از هفت هزار سال می باشد و نزدیک به سه هزار سال نیز از سابقه مدیریت سازمانی و نظام اداری در آن می گذرد. کشوری در مرز دو قاره آسیا و اروپا و پل ارتباط شرق و غرب و به طور نسبی محل اتصال سه قاره اروپا و آسیا و آفریقا. کشوری قرار گرفته بین دو حوزه اصلی تامین انرژی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر که از نظر ذخایر نفتی ششمین و از نظر ذخایر گازی دومین کشور جهان محسوب می شود و طیف بسیار متنوعی از ذخایر معدنی در سرتاسر این سرزمین گسترده است و از غنی ترین سرزمینهای جهان محسوب می شود. سرزمینی دارای جمعیت جوان ، جوانانی تحصیلکرده و خلاق و علاقمند به کسب دانش های نوین با میزان بالای هوشمندی و آموزش پذیری. کشوری دارای وحدت و یکپارچگی سرزمینی و دارای شوق پیشرفت ملی با موقعیتی شاخص در منطقه و جهان؛ بازارهای وسیع داخلی منطقه ای. اما این مزیت های بس مهم و اساسی باتنگناها و محدودیت های نیز روبروست. توزیع نامتعادل جمعیت در سرزمین، تمرکز و ساختار قطبی مراکز جمعیتی ، عدم تعادل بین جوامع شهری و روستایی و عدم تناسب بین جمعیت و قابلیت های توسعه در برخی مناطق (حدود ۷۰٪ ذخایر قطعی معدنی در نواحی جنوب شرقی و میانی کشور قرار دارد، در حالی که قسمت عمده ای از این نواحی جزو مناطق کم تراکم می باشند).

اما در جهان پیرامون مان با چه تصویری روبرو هستیم. در این جهان شاهد حاکمیت یافتن اقتصاد به عنوان عامل تعیین کننده در ساختار قدرت جهان ، رشد سریع ارتباطات و تداوم روند یکپارچه شدن جهان ، افزایش نقش دانایی و اطلاعات بعنوان ابزارهای تعیین کننده در رقابتهای اقتصادی ، تداوم فاصله شمال و جنوب از یکدیگر، رشد روابط جنوب - جنوب و گسترش همکاریهای منطقه ای ، تقاضای فزاینده برای منابع انرژی ، افزایش حمل و نقل دریایی در چشم انداز مبادلات جهانی و افزایش جمعیت حدود ۲ میلیاردی تا سال ۲۰۲۰.

حال با توجه به این سه پرده از مزیت ها داخلی و محدودیت ها و وضعیت جهانی سوال آنست که کدام سیاست توسعه ای در حوزه صنعت می تواند پیش برنده و سبب تبدیل توانمندیهای بالقوه به بالفعل شود و تصویرگر ایرانی قدرتمند در عرصه منطقه ای و جهانی گردد ؟ به نظر می رسد آن سیاست صنعتی می تواند این خواست را محقق نماید که نه صرفاً یک چارچوب ، بلکه شرایط رقابت بنگاهها را تامین کند و نه صرفاً یک روش برای

ایجاد برخی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اساسی و برنامه‌هایی که در ساختارهای عمودی بخشها هدفگذاری شده باشند، بلکه می‌بایست به عنوان چشم انداز استراتژیک آینده اقتصادی و صنعتی شناخته شود و با کمک ابزارها، سازکارها و ترتیبات نهادی لازم، این چشم انداز را به واقعیت مبدل سازد. براساس این تعریف می‌توان آن سیاستی را کار آمده دانست که توسعه بخش خصوصی را پذیرا باشد، حرکت به سمت آزادسازی تجاری و توجه به تحولات اقتصاد جهانی را مدنظر قرار دهد و توسعه فناوری، ارتقا و مهارت‌ها و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی را به رسمیت بشناسد و اصالت دهد. علاوه بر این مولفه‌های اساسی باید به راهبرد مهم و اساسی دیگری که نقطه تمرکز این خدمتگذار در طی شصت سال فعالیت صنعتی اش می‌باشد توجه ویژه و خاص نمود. آن راهبرد اهمیت و شاید عبارتی اصالت «اقتصاد خرد» است. راهبردی که من صنعتگر به تجربه آموختم و بکار بستم و چند سال پیش مبنای تئوریک آن را در این سخن مایکل پورتر یافتیم که می‌گوید «شکوفایی یک کشور دیگر در گرو شرایط مناسب اقتصادی کلان نیست بلکه شرایطی که بر اقتصاد خرد آن کشور حاکم است، نقش همان قدر مهم دارد و هم بخش خصوصی و هم دولت باید اهمیت این نقش را درک کرده و آن را کانون توجه قرار دهند. به گفته مایکل پورتر «چه بسیار جوامع که فرآیند تثبیت و آزادسازی را در اقتصاد کلان طی کرده اند اما تا وقتی که در سطح اقتصاد خرد، وضع به شیوه‌ای مناسب بهبود نیابد، اصلاحات سیاسی و یا اصلاحات اقتصادی در سطح کلان به بار نخواهد نشست». از سوی دیگر شالوده اقتصاد خرد بر دو حوزه به هم پیوسته استوار است: «پیشگیری و پیشرفتگی عملیات و استراتژی بنگاه» و «کیفیت اقتصاد خرد کسب و کار». در مجموع می‌توان با توجه به نظر مایکل پورتر چنین جمع‌بندی کرد که، شکوفایی ملی و پیشرفت اقتصادی تابعی است از سه عامل: بستر اقتصاد کلان، محیط اقتصاد خرد کسب و کار و عملیات و استراتژی بنگاه.

اما شما عزیزان عالم و یاوران توسعه اقتصادی کشور که دواطلبانه عمر خود را برای اعتلای صنعت کشور و رفاه و اشتغال و توسعه میهن مصروف می‌دارید عموماً در حوزه صنایع کوچک و متوسط فعال می‌باشید. در نتیجه نقطه برخورد شما از منظر بنگاهی و در درون اقتصاد خرد با اقتصاد کلان و از منظر بنگاههای کوچک و متوسط است که امروزه اهمیت و نقش آنان هم در کشورهای صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش گذاشته است. چنانکه با ظهور فناوری‌های جدید در تولید و ارتباطات، تحولاتی در روشهای تولید و توزیع و ساختار تشکیلاتی بنگاهها پدید آمده است که بر اهمیت واحدهای کوچک و متوسط افزوده است. چنانکه سهم بزرگی از صادرات صنعتی به عنوان نمونه ۵۶ درصد در تایوان ۴۰ درصد چین و ۳۲ درصد در هند به بنگاههای کوچک و متوسط اختصاص دارد. در کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه نیز به عنوان نمونه در کشورهای دانمارک، فرانسه و سوئد و فنلاند سهم این بنگاهها در صادرات صنعتی به ترتیب ۴۶، ۲۸/۶، ۲۴/۱،

۲۳/۳ درصد بوده است. علت این گرایش جهانی به سمت صنایع کوچک و متوسط را می توان در ارزش افزوده بالا، اشتغالزایی، صادرات و بخصوص نوآوری در فناوری های تولید و تجارت این نوع صنایع دانست. شوماخر اقتصاددان آلمانی که عبارت « کوچک زیبا » ی او مشهور است در این خصوص می گوید « مهمترین مسله کشورهای جهان سوم » بیکاری و افزایش مهاجرت روستائیان به شهرهاست. لذا برنامه ها و سیاستهای صنعتی باید در راستای کاهش بیکاری و بهبود وضع اکثریت مردم باشد. باتوجه به این هدف ، وی معتقد است که اولاً فرصت های اشتغال باید در مناطق روستایی و شهرهای کوچک به وجود آید ، ثانیاً به طور متوسط این فرصت ها باید به اندازه کافی ارزان باشد ، ثالثاً باتوجه به اینکه بخش بزرگی از جمعیت کشورهای در حال توسعه از آموزش کافی برخوردار نیستند لذا روشهای تولید باید نسبتاً ساده باشد ، رابعاً روشهای تولید باید به صورتی باشد که از منابع محلی استفاده کند که مجموع اهداف فوق از رهگذر ایجاد صنایع کوچک قابل تحقق است.

طبق آمارگیری سال ۸۱ حدود ۹۹ درصد واحدها در کشورمان در زمره کسب و کارهای کوچک دارای یک تا ۴۹ نفر کارکن هستند. بیش از ۶۳ درصد کل نیروی کار بخش صنعت کشور در این واحدها اشتغال دارند و سهم آنها در ارزش افزوده صنعت کشور بالغ بر ۲۸ درصد می شود. در صورتی که سهم صنایع متوسط و بزرگ (پنجاه نفر کارکن به بالا) فقط ۰/۸ درصد کل بنگاههای صنعتی را تشکیل می دهند ، ۷۲ درصد ارزش افزوده است.

یونیدو نیز در گزارش سال ۲۰۰۳ خود باتوجه به تجربیات سایر اقتصادی در حال ظهور و در حال توسعه و با لحاظ محاسباتی در مورد ظرفیت بالقوه ایران ، اعلام می دارد ایران بایستی تلاش جدی برای تحقق سیاستها و ابزارهای اجرایی موردنیاز برای توسعه صادرات غیرنفتی بنگاههای کوچک و متوسط صورت دهد. این امر موجب گسترش اشتغال زایی ، رفاه عمومی و مشارکت بین المللی در بازارهای جهانی خواهد شد. در این میان باید به عامل « نوآوری » در بنگاههای کوچک و متوسط نیز توجه داشت. چرا که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، منبع ایجاد نوآوری ، تفکر خلاق افرادی است که در یک بنگاه فعالیت می کنند. صنایع کوچک و متوسط می توانند با صرف سرمایه گذاری اندک و با به کارگیری سرریزهای تحقیقاتی دانشگاهها و شرکتهای بزرگ به تولید محصولات نوآورانه بپردازند، یعنی نهاده هایی را که از دیگران به دست آورده اند، تبدیل به درون داده هایی برای تولید دانش کنند. از دیگر خصوصیات صنایع کوچک و متوسط بخصوص در شرایط خاص و ویژه کشورمان که با کمبود سرمایه روبروست، قدرت جذب سرمایه خارجی است. از جمله دلایل این جذابیت را با ثبات تر بودن و بازپرداخت آسان تر این سرمایه ها برای صنایع کوچک و متوسط و نیز ورود فناوری های مدرن به کشور میزبان، دسترسی به بازار (باتوجه به محدودیت بازار و ناشناخته ماندن محصولات صنایع کوچک و متوسط) و حضور در بازارهای جهان همچنین بهنگام شدن فنون مدیریتی و حضور نیروهای مجرب انسانی را در این صنایع عنوان

می کنند. باتوجه به امیدهای ایجاد شده برای رفع محدودیت ها و تحریم های خارجی و تحرک و پویایی روابط خارجی می توان امیدوار بود که افقهای نوینی بر روی ورود سرمایه های خارجی به کشورمان گشوده شود و این فرصتی است بسیار مغتنم برای بنگاههای اقتصادی در ابعاد کوچک و متوسط در بهره گیری از این امکانات.

استفاده از سرمایه های داخلی برای رونق و توسعه بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط امکان مناسب دیگری در این مسیر است. اکنون نقدینگی کشور به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و این وجوهی است که در دست مردم است. به اعتقاد تمامی اقتصاددانان میهن مان ، تقلیل نقدینگی یکی از اساسی ترین راه حل های مقابله با تورم و بیکاری است. این سرمایه های عظیم اگر به تولید و صنعت رهنمون شوند تحولی اساسی در وضعیت بنگاههای اقتصادی ایجاد می نمایند. تجربه بانک « گرامین » که توسط محمد یونس اقتصاد دان برجسته بنگلادشی و برنده جایزه نوبل ایجاد و با تامین سرمایه و ایجاد بنگاههای کوچک نقش ارزشمندی در رونق تولید و افزایش اشتغال گذاشت می تواند نمونه موفق استفاده از سرمایه های خود در جهت توسعه بنگاههای تولیدی است.

دولتمردان عزیز عنایت کنند که نگرانی از سپاه بیکاران ۸ میلیونی که حدود ۵ میلیون نفر آنها تحصیل کرده می باشند و با احتساب خانواده های آنان ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر خواهد شد بحرانی واقعی است. بحرانی که فقر، بروز جرم و هدر رفتن تعقل و کارایی و سقوط باز هم بیشتر درآمد ملی از عواقب آن است. راه کار مقابله با این بحران ، فقط و فقط در تولید آنهاست به همت صنعتگران و کارآفرینان این مرز و بوم و بخصوص جوانان با استعداد و پرتوانی کشورمان است. دولت مردان محترم باید این مجموعه را یاری دهند چرا که اعتقاد راسخ داریم که «صنعت» را «صنعتگر» می سازد. صنعتی که زنجیره ای از بنگاه های کوچک و متوسط و بزرگ را در بر می گیرد. امروزه تقسیم کار میان صنایع کوچک و بزرگ به شکلی صورت پذیرفته که آنها به جای رقابت با هم ، یکدیگر را کامل می کنند. در جهان امروز از یک سو بقای بسیاری از شرکتهای معظم صنعتی ، در گرو تصاحب اندیشه های نوآورانه ای است که توسط سرمایه گذاران مخاطره جو ، از فکر به عمل می رسند و از سویی دیگر صنایع کوچک نیز به دلیل فقدان منابع مالی و اعتباری لازم به وجود صنایع بزرگتر نیازمند هستند. براین اساس از مهمترین ضرورتهای رشد و توسعه صنعت کشور برقراری پیوند در درون صنایع کوچک و متوسط و در هم پیوستن این واحدها و ایجاد شبکه های داخلی و خارجی و نیز ایجاد شرایطی برای اتصال صنایع کوچک و متوسط و صنایع بزرگتر داخلی و خارجی است. در این حالت ، صنایع بزرگتر داخلی به منزله لوکوموتیوی خواهند بود که واگن های دیگر (صنایع کوچک و متوسط) را به راه می اندازند و به علاوه صنایع کوچک و متوسط داخلی از طریق پیوند با صنایع بزرگ خارجی (لوکوموتیوهای خارجی) ضمن برآوردن تقاضا در بازارهای داخلی به فناوری ، دانش و رمز و مبادلات بین المللی دست می یابند.

در این میان البته باید به ایجاد و تقویت خوشه های صنعتی که در برگیرنده بنگاههای است که در یک رشته فعالیت می کنند تاکید و توجه بسیار نمود. اما برای رشد و گسترش بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط چه راهکارهای را می توان پیشنهاد نمود. به نظر اولین آنها همان است که در نظام قانونی کشور موکد شده است؛ در ماده ۳۹ قانون چهارم برنامه توسعه که طبق آن دولت موظف شده است « از طریق حمایت و ایجاد پیوند مناسب بین بنگاههای کوچک و متوسط و بزرگ به اصلاح ساختار بنگاههای اقتصادی و رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه این بنگاهها و کمک به بلوغ و تبدیل آنها به بنگاههای بزرگ و رقابت پذیر و اصلاح ساختار قطبی کنونی» اقدام کند. سایر راهکارها را البته در چارچوب همان سیاست کلی فوق می توان از جمله چنین پیشنهاد نمود:

- افزایش حمایت مالی از صنایع کوچک و متوسط با افزایش نقش بانک صنعت و معدن و صندوق حمایت از سرمایه گذاری صنایع کوچک ایران
- به کارگیری سیاستهای افزایشی در ظرفیت و توان تولیدی صنایع کوچک به منظور فزونی تولید، مازاد بر تقاضای داخلی
- اعطای تسهیلات ترجیحی با بهره پایین، ارائه تخفیف های مالیاتی و تعرفه ای و کمک به صنایع کوچک در دسترسی ارزان و آسان به مواد اولیه مورد نیاز
- اعطای جوایزی صادراتی ترجیحی به صنایع کوچک و متوسط
- کمک به تشکیل شبکه با کنسرسیوم های صادراتی
- ارائه خدمات مشاوره ای و کمک به بهبود کیفیت کالاهای تولیدی در صنایع کوچک
- کمک به آموزش نیروی انسانی واحدهای کوچک
- اصلاح قوانین و مقررات در جهت تسهیل فرآیند رشد صنایع کوچک و متوسط
- کمک به شناساندن شرکتهای به یکدیگر و اطلاع رسانی مناسب در باره شرایط بازار
- جهت گیری حمایت ها به سمت حمایت خوشه های صنعتی و پیمانکاری ها به جای صنایع منفرد
- کمک به ارتقاء سیستم های مدیریت کیفیت
- کمک به ایجاد شبکه های اطلاعاتی در مورد صنایع کوچک و متوسط

در خاتمه آنکه بر این باورم که صنعتگران و تولیدکنندگان و مدیران بخش خصوصی در برابر جامعه مسئول هستند و دارای نقش حیاتی در شکل دادن به آینده جامعه هستند. یک جنبه مهم از این نقش، وارد شدن به فعالیت های رفاه اجتماعی نظیر گسترش آموزش و بهداشت، حمایت از مصرف کننده، حفظ محیط زیست و تلاش برای کاهش فقر و بالا بردن کیفیت زندگی توده مردم در جهت توسعه پایدار است. لذا از این منظر،

کارآفرینان و تولیدکنندگان جوان باید تلاش نمایند تا در کنار فعالیت های اقتصادی - صنعتی ، نقش اجتماعی خود را از طریق فعالیت های تشکلی ایفاء نمایند.

به شما اندیشمندان ، کارآفرینان ، مدیران و تولیدکنندگان جوان که عمرتان را در راه اعتلای سازندگی و نجات کشورمان به کار می برید ، توصیه می کنم : معنا و هدف زندگی تان را کشف کنید چرا که اگر در زندگی هدف را تعقیب کنیم حتماً راهی برای بدست آوردن آن وجود دارد و می توان به آن هدف دست یافت. در این صورت به جای آنکه خودتان را تنها و منفعل مشاهده کنید ، خود را به عنوان بازیگری فعال در جهت بوجود آوردن آینده مطلوب برای جامعه بشری بویژه کشور عزیزمان صاحب نقش خواهید یافت.

### محسن خلیلی

منابع :

- مستندات برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی ، سازمان مدیریت و برنامه ریزی ۱۳۸۳
- سیاستهای حمایت از صنایع کوچک در ایران ، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی ، سعادت طباطبائی و علی اصغر اژدری - ۱۳۸۷
- استراتژی توسعه صنعتی کشور ، مسعود نیلی و همکاران ، ۱۳۸۲ ، دانشگاه صنعتی شریف
- افزایش توان رقابت پذیری صنعتی ایران ، دکتر نیلی ، اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی تهران ۱۳۹۱